

# اردوی پیشرفت در سواحل خلیج فارس

سفرنامه بندرعباس

اردومون مسئول نداره، واویلا، واویلا / مسئولش عرضه نداره، واویلا، واویلا / ستاره چقد باحاله، واویلا، واویلا / غذاهاش همش کبابه، واویلا، واویلا / دمنوشاش طعم گلابه، واویلا، واویلا / وضعمون چه حالی داره، واویلا، واویلا / بازدیدای خیلی روانه، واویلا، واویلا / اردوی بعدی شماله، واویلا، واویلا / دایی و عمه و خاله، واویلا، واویلا

بعد از ۳/۵ ساعت تاخیر بالاخره تابلوی ایستگاه راه آهن بندرعباس دیده شد. سریع وسایل خودمان، ماسک‌ها و خوراکی‌های کوپه قطار را جمع کرده و آماده پیاده شدن شدیم. جمعی از ادوار باتجربه تشکیل دادند. که در تشکیل به آن‌ها «عقبه» می‌گویند و تجربه مشابهی در اردوی توقف ممنوع سال ۹۷ داشتند. میگفتند ای کاش قطار نیم ساعت بیشتر تاخیر می‌کرد تا بلکه به خاطر تاخیر ۴ ساعته در رسیدن به مقصد، یکبار دیگر هم از قوانین و مقررات مجموعه راه‌آهن ایران کمال استفاده را کرده باشیم و نیمی از هزینه‌های بلیط قطار رفت برگردد! ساعت حدوداً ۱۲ ظهر بود و به محض پیاده شدن از قطار بدون اتلاف وقت و بدون گرفتن عکس دسته جمعی در راه آهن، سوار اتوبوس هایمان شدیم. من طبق هماهنگی قبلی باید در اتوبوس صنایع بشینم و سعی کنم تا به عنوان یکی از عقبه‌های دفتر فرهنگی دانشکده مهندسی صنایع با بچه‌های ورودی جدید ارتباط بگیرم. همین طور هم شد. اصلاً کار سختی نبود و حدوداً ۵ دقیقه بعد از حرکت، به انتهای اتوبوس رفتم و شروع کردیم به صحبت کردیدن و

ایبات نغز بالا به رسم اکثر اردوهای دانشجویی، همه ساله در روزهای پایانی اردوی توقف ممنوع به مقصد بندرعباس که توسط تشکل مجمع دفاتر فرهنگی دانشگاه علم و صنعت ایران برگزار می‌شود، با همخوانی تمامی دانشجویان ورودی جدید خوانده شده و شور و نشاطی کم نظیر در انتهای این ماجراجویی پر از امیدواری و افتخار، رقم می‌زند.

امسال هم با بهبود وضعیت شیوع ویروس کرونا، اردوی علمی-تفریحی ۲۵۰ نفره‌ی توقف ممنوع آقایان، همراه با برگزاری حدوداً ۲۰ بازدید عمومی و تخصصی، مقدار زیادی از خاطره‌های شیرین، حواشی جذاب و پرونده‌های گوناگون، به سرانجام و مطلوب خود رسید.

در این متن کوتاه قصد داریم تا روایتی صریح و ساده از ماجرای بازدید یکی از دانشکده‌ها در روز اول اردو را روایت کنیم...



محمدعلی اسمی



عکس دسته جمعی کنار کانتریهای نزدیک ناهارخوری